

توزیع درآمد در استان مازندران طی برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

راحیل اخوان‌فرد^۱

هدف اساسی در این مقاله برآورد سطح نابرابری اقتصادی در استان مازندران طی برنامه‌های توسعه اول اقتصادی - اجتماعی می‌باشد. نابرابری در توزیع درآمد (هزینه) استان مازندران به تفکیک مناطق شهری و روستایی به صورت ناپارامتریکی طی برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی برآورده شده است. نتایج حاصل از برآورد ضریب جینی و ارزیابی روند آن نشان می‌دهد که کمترین سطح نابرابری در مناطق شهری و روستایی به ترتیب در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۸۲ واقع شده است بیشترین مقدار نابرابری در مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۷۰ می‌باشد. نتایج حاصل از تحلیل واریانس نشان داده است که نابرابری در مناطق روستایی استان مازندران به طور معناداری از نابرابری در مناطق شهری بیشتر بوده است. نتایج حاصل از تحلیل واریانس در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی نشان داده است که مقایسه سیاست‌های اجرا شده توسط دولت طی برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی بر نابرابری تأثیر مثبت داشته و نابرابری را کاهش داده است. بنابراین نتایج حاصل، بیشترین کاهش نابرابری در برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی مشاهده شده است.

واژه‌های کلیدی: توزیع درآمد، ضریب جینی، مازندران، برنامه‌های توسعه، ریزداده‌ها.

۱. مقدمه

یکی از مشخصه‌های اقتصاد سالم، توزیع برابر درآمدها و نتایج آن در توسعه اقتصادی در میان آحاد جامعه می‌باشد. برنامه‌ریزان جوامع مختلف برای تحقق این امر سعی در کاهش نابرابری‌ها از طریق تهیه و تدوین برنامه‌های متعدد محرومیت‌زدایی دارند. امروزه، بررسی توزیع درآمد و ارائه طرح ممکن برای کاهش نابرابری‌ها به عنوان یکی از اهداف دولت در گزارش‌های اقتصادی درآمدی است که قبل از آن باید شناخت کافی از الگوی توزیع درآمد جامعه بدست آید.

به منظور بررسی میزان موفقیت سیاست‌های اجرا شده دولت طی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی ذکر شده این مطالعه تحت عنوان "تحلیل توزیع درآمد در استان مازندران طی سال‌های (۱۳۸۸-۱۳۶۸)" انجام گرفته است.

در اغلب کشورهای در حال توسعه علیرغم رشد سریع اقتصادی در دهه اخیر نتایج و منافع این رشد اقتصادی تنها نصیب گروه‌های خاصی از افراد جامعه شده است که در نتیجه بر تعداد فقرای این کشورها نیز افزوده شده است. توزیع درآمد به تشریح چگونگی سهم افراد یک جامعه از درآمد ملی می‌پردازد. به عبارت دیگر توزیع درآمد درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک جامعه را نیز توصیف می‌کند.

استان مازندران در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۵ دقیقه و طول ۵۰ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۱۰ دقیقه واقع شده است. از شمال به دریای خزر، از جنوب به استان‌های تهران و سمنان، از غرب به استان گیلان و از شرق به استان گلستان محدود می‌باشد (سند برنامه سوم توسعه استان مازندران، ۱۳۸۰). استان مازندران با وسعت ۲۳۷۵۶/۴ کیلومتر مربع، ۱/۴۶ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد و از این حیث هجدهمین استان کشور از نظر وسعت محسوب می‌گردد.

هدف اساسی در این تحقیق، تحلیل توزیع درآمد در استان مازندران و مقایسه نابرابری طی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی اول، دوم، سوم و چهارم در استان مازندران به تفکیک مناطق شهری و روستایی بوده است. برای این منظور ابتدا اطلاعات توزیع درآمد به صورت کتابخانه‌ای و براساس ریز داده‌های بودجه خانوار به تفکیک مناطق شهری و روستایی استان مازندران جمع‌آوری و سازماندهی شده است. سپس، با استفاده از ریز داده‌های مقطعی درآمد (هزینه)، نابرابری اقتصادی (ضریب جینی) در مناطق شهری و روستایی استان مازندران طی برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه برآورد شده است. سپس با استفاده از الگوی تحلیل واریانس به پرسش‌های زیر پاسخ داده شده است.

- سطح نابرابری در توزیع درآمد استان مازندران به تفکیک مناطق شهری و روستایی طی برنامه‌های (اول، دوم، سوم و چهارم) توسعه اقتصادی - اجتماعی به چه میزان بوده است؟
- نابرابری در مناطق شهری استان مازندران در مقایسه با مناطق روستایی چگونه است؟
- آیا اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی بر نابرابری در مناطق شهری و روستایی مؤثر بوده است؟

در این راستا، بخش دوم به مروری بر مطالعات تجربی توزیع درآمد در ایران و سایر کشورها اختصاص یافته است. در بخش سوم به چگونگی جمع‌آوری داده‌ها اشاره شده است. بخش چهارم به برآورد سطح نابرابری می‌پردازد. در بخش پنجم نتیجه‌گیری و جمع‌بندی ارائه شده است.

۲. مروری بر مطالعات تجربی توزیع درآمد در ایران

در این راستا، نخستین کوشش توسط اوشیما (۱۹۷۳) بر پایه آمارهای بودجه خانوار بانک مرکزی انجام گرفته است. مطالعه اوشیما توزیع نابرابر درآمد را در مناطق شهری نشان می‌دهد. وی ضریب جینی توزیع درآمد ایران را در سال ۱۳۴۸ حدود ۰/۶ برآورد نموده است.

لهسایی زاده و خواجه‌نوری (۱۳۸۳) در تحقیقی تحت عنوان "قشربندی نابرابری اجتماعی در استان فارس"، نابرابری‌ها و نظام قشربندی در استان فارس را از دهه ۱۳۴۵ تاکنون بررسی نموده‌اند. براساس برخی از یافته‌های این تحقیق در دوره مورد بررسی نسبت طبقه سرمایه‌دار در آن استان به کل طبقات روند صعودی داشته است. با این وجود، از حجم طبقات مستقل، متوسط و کارگری به کل طبقات کاسته شده است.

ابونوری و ایرجی (۱۳۸۳) با استفاده از اطلاعات گروه‌بندی شده بودجه خانوار در استان خراسان و کل کشور در سال‌های (۱۳۸۰-۱۳۵۰) ضریب جینی و سهم چند دهک‌های درآمدی با روش پارامتریک برآورد نموده‌اند. پژوهش آنها نشان داد بین سطح نابرابری اقتصادی مناطق شهری و روستایی استان خراسان و همچنین بین آنها با مناطق شهری و روستایی کل کشور از لحاظ آماری اختلاف معناداری وجود نداشته است.

ابونوری و خوشکار (۱۳۸۴) به منظور برآورد اثر رشد بهره‌وری نیروی کار بر توزیع درآمد با استفاده از داده‌های گروه‌بندی شده و روش پارامتریک شاخص نابرابری اقتصادی (ضریب جینی) و سهم بیستک‌های درآمدی را به تفکیک استان در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ برآورد کردند. نتایج حاصل از برآورد ضریب جینی حاکی از آن است که استان گلستان در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ با ضریب جینی ۰/۵۲۳ و ۰/۵۴۴ بالاترین سطح نابرابری را میان استان‌ها دارا بودند. در مقابل، استان‌های هرمزگان و سمنان به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ با ضریب جینی ۰/۲۴۸ و ۰/۲۵۴ دارای کمترین سطح نابرابری در میان استان‌ها بودند.

کاظمی و زمانیان (۱۳۸۴) به بررسی و تحلیل چگونگی توزیع درآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان طی سال‌های (۱۳۸۰-۱۳۷۶) پرداخته‌اند. در این پژوهش، توزیع درآمد با استفاده از شاخص ضریب جینی، نابرابری با روش تفکیک‌پذیر و همچنین بر تمام داده‌ها محاسبه گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند ضریب نابرابری با روش تفکیک‌پذیر طی دوره مورد مطالعه در مناطق شهری استان به تدریج از ۰/۳۵ در سال ۱۳۷۶ به ۰/۴۴ در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. همچنین، با مقایسه ضریب جینی بین دهک‌های اول و دهم خانوارهای شهری مشخص شد که طی این دوره نابرابری بین گروه‌های پردرآمد (دهک دهم) بیشتر از خانوارهای کم درآمد (دهک اول) بوده است. به طوری که مقدار این ضریب برای دهک اول از ۰/۱۷ در سال ۱۳۷۶ به ۰/۱۲ در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته، در حالی که ضریب

فوق طی این دوره برای دهک دهم از ۰/۵ به ۰/۲۶ افزایش یافته است. از سوی دیگر، مقایسه ضریب جینی بین فقرا نشان داده است که نابرابری بین فقرا به طور متوسط بیشتر از نابرابری بین خانوارهای دهک اول است و در مجموع در جامعه مورد مطالعه فقرا محدود به دهک اول نمی‌باشند.

ابونوری و خوشکار (۱۳۸۶) به منظور برآورد سطح نابرابری اقتصادی در سطح شهرستان فیروزکوه با استفاده از ریزداده‌های بودجه خانوار و روش ناپارامتریک، ضریب جینی و سهم بیستک‌های درآمدی در سال‌های (۱۳۸۵ - ۱۳۷۷) را برآورد نموده‌اند. نتایج حاصل از برآورد ضریب جینی و ارزیابی روند آن نشان می‌دهد که نابرابری اقتصادی طی این دوره زمانی نوسان‌های چندی و روند صعودی داشته است، به طوری که کمترین و بیشترین مقدار خود را به ترتیب در سال ۱۳۷۷ و ۱۳۸۲ داشته است. میانگین نابرابری طی دوره ۰/۳۹ بوده است. طی این دوره به طور متوسط سهم بیستک اول (۲۰ درصد خانوارهای کم درآمد) ۶ درصد، سهم بیستک دوم ۱۱ درصد، سهم بیستک سوم ۱۵ درصد، سهم بیستک چهارم ۲۱ درصد و سهم بیستک پنجم ۴۶ درصد بوده است؛ به عبارت دیگر، سهم بالاترین بیستک بیش از هفت برابر پایین‌ترین بیستک بوده است.

۲-۱. مروری بر مطالعات تجربی توزیع درآمد در سایر کشورها

بیون (۲۰۰۰) با استفاده از اطلاعات مقطعی درآمد مرکز اطلاعات اقتصادی - اجتماعی آلمان (GSOEP)^۱ شاخص‌های مختلف نابرابری را برای سه زیرمجموعه^۲ از جمعیت آلمان برآورد نموده است. زیرمجموعه‌های مورد مطالعه وی، جمعیت مقیم آلمان غربی (شامل خارجی‌ها نیز می‌باشد) برای سال‌های (۱۹۹۶ - ۱۹۸۴)، جمعیت مقیم آلمان شرقی برای سال‌های (۱۹۹۶ - ۱۹۹۰) و تمام جمعیت آلمان برای سال‌های (۱۹۹۶ - ۱۹۹۰) بوده است. نتایج تجربی، ثبات نسبی^۳ توزیع درآمد آلمان غربی را تأیید نموده است. نابرابری در آلمان شرقی پس از یکسان‌سازی افزایش یافته است. در واقع، این افزایش نابرابری به دلیل بالا بودن نابرابری در قسمت غربی کشور بوده است. سطح نابرابری در آلمان یکی شده در سال ۱۹۹۶ کمتر از ۱۹۹۰ بوده است.

1. German Socio-Economic Panel
2. Sub-Samples
3. Relative Stability

هاردینگ و گرینول^۱ (۲۰۰۱) روند نابرابری هزینه و درآمد خانوارهای استرالیایی را با استفاده از ریزداده‌های مرکز مطالعات هزینه خانوارها (ABS)^۲ بررسی کردند. آنها پس از محاسبه ضریب جینی، شاخص نابرابری چندک‌ها، میانه و میانگین دریافتند که نابرابری درآمدی در دهه ۱۹۹۰ نسبت به دهه ۱۹۸۰ افزایش یافته، اما نابرابری هزینه ثابت مانده است.

پانیزا (۲۰۰۲) تحقیقی با موضوع بررسی نابرابری و رشد اقتصادی بر پایه آمار اقتصاد ایالات متحده آمریکا ارائه داده است. در این تحقیق، برای ارزیابی رابطه بین نابرابری و رشد اقتصادی در ۴۸ ایالات آمریکا از داده‌های پنل برای دوره زمانی (۱۹۸۰ - ۱۹۴۰) استفاده شده است. نتایج این تحقیق هیچگونه رابطه مثبتی بین نابرابری و رشد اقتصادی نشان نمی‌دهد، همچنین رابطه‌ای مبنی بر وجود ارتباط بین دو متغیر ضریب جینی و سهم درآمدی قشرهای کم درآمد با رشد اقتصادی یافت نشده است و این در حالی است که برخی از نتایج تحقیق دال بر وجود یک رابطه منفی بین نابرابری و رشد اقتصادی است. فنولمی و زئومولر (۲۰۰۳) در دانشگاه زوریخ به بررسی و مقایسه رشد اقتصادی و نابرابری در اروپا و ایالات متحده آمریکا پرداخته‌اند. هدف اصلی این تحقیق، بررسی مشابهت‌ها و تفاوت‌های رابطه بین رشد و نابرابری در اروپا و آمریکا بوده است. برخی از نتایج این تحقیق به قرار زیر است:

- نابرابری در اغلب کشورهای اروپایی کمتر از ایالات متحده است.
- نابرابری در کشورهای اروپای غربی به طور قابل توجهی کمتر از ایالات متحده است.
- طی دو دهه اخیر، رشد نابرابری در ایالات متحده بسیار بیشتر از رشد آن در اروپا بوده است.
- در نهایت اینکه شاهد افزایش فوق‌العاده‌ای در درآمد قشرهای پردرآمد در ایالات متحده بوده‌ایم، اتفاقی که در اروپا رخ نداده است. در کل از لحاظ نابرابری تفاوت فاحشی بین اروپا و ایالات متحده آمریکا وجود دارد.

سمیدینگ^۳ (۲۰۰۵) به مقایسه روند نابرابری اقتصادی در کشورهای صنعتی و عضو OECD پرداخته است. اگرچه افزایش درآمد کل خانوارهای آمریکایی از دیگر کشورها بالاتر است (این تجربه مربوط به سال‌های بین ۱۹۷۹ و ۲۰۰۲ است)، اما آمریکا بالاترین سطح نابرابری اقتصادی را در بین کشورهای ثروتمند OECD در آغاز قرن اخیر دارد. وی پی برد که اثر سیاست‌های دولتی و هزینه‌های اجتماعی دولت بر نابرابری در آمریکا کمتر از دیگر کشورها است و هزینه‌ها و دستمزد پایین اثر قوی در توزیع درآمد نهایی دارد.

1. Harding & Greenwell
2. Australian Bureau of Statistics
3. Smeeding

فیرریال، لایت و لیتچفیلد (۲۰۰۶) اشاره دارند که نابرابری اقتصادی (اندازه گیری شده به وسیله ضریب جینی) در برزیل از ۰/۵۷ در سال ۱۹۸۱ به ۰/۶۳ در سال ۱۹۸۹ قبل از کاهش آن در سال ۲۰۰۴ (۰/۵۶) رسیده است. این کاهش نابرابری رتبه برزیل را در نابرابری جهانی از دومین کشور در سال ۱۹۸۹ به دهمین کشور در سال ۲۰۰۴ ارتقاء داده است. فقر نیز در ربع قرن گذشته به شکل U واژگون بوده است، به طوری که از ۰/۳۱ در سال ۱۹۸۱ به ۰/۲۲ در سال ۲۰۰۴ (۰/۲۲) افزایش یافته است. با استفاده از تکنیک‌های تجزیه استاندارد این پژوهشگران به بررسی افت و خیزهای نابرابری و عوامل مؤثر بر توزیع درآمد برزیل در دوره (۲۰۰۴ - ۱۹۸۱) پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که افزایش نابرابری در دهه ۱۹۸۰ به دلیل رشد سریع تورم و بهره‌مندی گروه‌های بالای درآمدی از آموزش و پرورش بوده است. کاهش نابرابری از سال ۱۹۹۳ به دلیل کاهش تورم بوده است.

۳. داده‌ها و اطلاعات آماری مورد استفاده

برای انعکاس نابرابری متناظر با هر توزیع درآمد، شاخص‌های متفاوتی مطرح و برای برآورد آن‌ها اغلب از اطلاعات مقطعی گروه‌بندی شده استفاده می‌شود. با تحول در جمع‌آوری اطلاعات، در حال حاضر دسترسی به ریزداده‌ها به صورت گروه‌بندی نشده و پردازش آن‌ها به وسیله کامپیوترهای شخصی مقدور شده است. هدف اصلی در این تحقیق، برآورد شاخص نابرابری مطرح شده با استفاده از ریزداده‌ها است.

ریزداده‌ها نوعی داده‌های جزئی مربوط به واحدهای اقتصادی (مانند خانوار یا شرکت) است، در حالی که کلان داده‌ها مربوط به گروه یا طبقه خاصی از واحدهای اقتصادی است. بنابراین، در صورت وجود ریزداده‌ها کاربرد آن بر سایر داده‌های آماری ترجیح داده می‌شود. ریزداده‌ها علاوه بر اینکه حاوی اطلاعات بیشتر هستند، مشکلات هم‌افزایی (جمع نمودن) کلان داده‌ها را ندارند و برآورد مدل‌ها و روابط رفتاری عملی بنگاه‌های اقتصادی را مقدور می‌سازند.

در این تحقیق، از ریزداده‌های بودجه خانوار به صورت خام و مطابق با پرسشنامه در سال‌های (۱۳۸۸ - ۱۳۶۸) برای برآورد شاخص نابرابری در استان مازندران به تفکیک مناطق شهری و روستایی استفاده شده است. برای استفاده و پردازش این حجم وسیع داده‌ها با استفاده از انجام عملیات وسیع در برنامه نرم‌افزاری (ACCESS) هزینه خانوار به تفکیک هزینه‌های ده گانه موجود در پرسشنامه (هزینه‌های خوراکی، دخانی و غیره) محاسبه شده است. سپس هزینه‌های مختلف خانوارها به صورت سالانه تبدیل شده است و در نهایت با جمع انواع هزینه خانوار، هزینه کل هر خانوار محاسبه شده است. پس از محاسبه هزینه کل خانوارها، این اطلاعات به محیط (EXCEL) انتقال یافته است تا برای برآورد شاخص نابرابری عملیات لازم انجام پذیرد.

تعداد خانوارهای نمونه استان مازندران در طرح هزینه - درآمد طی سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۸۸) به تفکیک مناطق شهری و روستایی و برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی اول، دوم، سوم و چهارم در جدول (۱) خلاصه شده است.

جدول ۱. حجم نمونه طرح درآمد - هزینه در سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۸۸)

برنامه	سال	استان مازندران		
		کل	شهری	روستایی
	۱۳۶۸
	۱۳۶۹	۱۲۰۵	۵۲۵	۶۸۰
برنامه اول توسعه	۱۳۷۰	۱۲۵۱	۵۶۶	۶۸۵
	۱۳۷۱	۵۷۰	۵۷۰
	۱۳۷۲	۱۲۵۹	۶۰۹	۶۵۰
	۱۳۷۳	۱۳۲۹	۵۷۹	۷۵۰
	۱۳۷۴	۱۵۱۴	۸۲۵	۶۸۹
برنامه دوم توسعه	۱۳۷۵	۱۶۲۵	۵۴۰	۱۰۸۵
	۱۳۷۶	۱۶۴۵	۵۴۰	۱۱۰۵
	۱۳۷۷	۹۰۰	۲۸۵	۶۱۵
	۱۳۷۸	۱۳۳۹	۴۱۰	۹۲۹
	۱۳۷۹	۱۳۳۹	۴۰۹	۹۳۰
	۱۳۸۰	۱۳۴۰	۴۱۰	۹۳۰
برنامه سوم توسعه	۱۳۸۱	۱۳۸۵	۴۵۵	۹۳۰
	۱۳۸۲	۷۹۵	۳۲۵	۴۷۰
	۱۳۸۳	۸۷۰	۳۳۰	۵۴۰
	۱۳۸۴	۹۵۰	۴۱۰	۵۴۰
	۱۳۸۵	۱۲۹۰	۴۰۰	۸۹۰
برنامه چهارم توسعه	۱۳۸۶	۱۰۲۰	۵۰۰	۵۲۰
	۱۳۸۷	۱۲۲۸	۶۰۹	۶۱۹
	۱۳۸۸	۱۱۸۵	۵۷۹	۶۰۶

مأخذ: مرکز آمار ایران سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۸۸).

۴. روند نابرابری در استان مازندران طی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی

مروری بر تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که برای انعکاس سطح نابرابری بیشتر از ضریب جینی استفاده می‌شود. در این تحقیق برای برآورد شاخص نابرابری براساس استدلال ابونوری (۱۳۸۶) از ضریب جینی ناپارامتریک به صورت زیر استفاده شده است:

$$G = 1 - \sum_{i=1}^t (X_i - X_{i-1})(Y_i + Y_{i-1}) \quad (1)$$

در رابطه فوق، Y_i و X_i به ترتیب فراوانی نسبی تجمعی خانوارها و فراوانی نسبی تجمعی هزینه (درآمد) خانوارهای تا ردیف i هستند. نتایج حاصل از برآورد ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی استان مازندران طی برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی در جدول (۲) خلاصه شده است. همچنین، روند نابرابری در مناطق شهری و روستایی استان مازندران در نمودار (۱) نشان داده شده است.

جدول ۲. شاخص نابرابری برآورد شده در مناطق شهری و روستایی استان مازندران

ضریب جینی		سال	برنامه
استان مازندران			
مناطق روستایی	مناطق شهری		
۰/۴۶۸۴	۰/۴۰۱۱	۱۳۶۸	برنامه اول توسعه اقتصادی
۰/۴۴۸۹	۰/۳۶۶۹	۱۳۶۹	
۰/۴۷۰۸	۰/۴۸۲۲	۱۳۷۰	
۰/۴۰۸۴	۰/۴۵۹۶	۱۳۷۱	
۰/۴۴۵۹	۰/۳۷۹۳	۱۳۷۲	
۰/۴۲۲۶	۰/۳۷۰۵	۱۳۷۳	برنامه دوم توسعه اقتصادی
۰/۴۶۳۶	۰/۳۷۸۳	۱۳۷۴	
۰/۴۳۲۴	۰/۳۹۸۶	۱۳۷۵	
۰/۴۴۰۱	۰/۴۱۲	۱۳۷۶	
۰/۴۶۷۵	۰/۳۷۸۷	۱۳۷۷	
۰/۴۲۴۳	۰/۳۶۷۴	۱۳۷۸	برنامه سوم توسعه اقتصادی
۰/۴۱۴۶	۰/۳۷۵۳	۱۳۷۹	
۰/۴۰۰۶	۰/۳۷۶۷	۱۳۸۰	
۰/۴۰۴۹	۰/۳۶۷۵	۱۳۸۱	
۰/۳۷۸۲	۰/۳۷۳۲	۱۳۸۲	
۰/۴۱۰۳	۰/۳۹۳۷	۱۳۸۳	برنامه چهارم توسعه اقتصادی
۰/۴۲۰۵	۰/۴۱۹۲	۱۳۸۴	
۰/۴۱۵۳	۰/۴۲۹۴	۱۳۸۵	
۰/۴۰۷۸	۰/۴۲۹۴	۱۳۸۶	
۰/۳۹۴۵	۰/۳۷۲۶	۱۳۸۷	
۰/۳۹۰۳	۰/۳۶۷۴	۱۳۸۸	

مأخذ: براساس ریزداده‌های بودجه خانوار با استفاده از نرم افزار Excel برآورد شده است.

براین اساس، کمترین و بیشترین سطح نابرابری در مناطق روستایی استان مازندران به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۷۰ و در مناطق شهری استان مربوط به سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ بوده است. براساس نمودار بیشترین کاهش نابرابری هم در مناطق روستایی و هم در مناطق شهری در برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی مشاهده شده است.

جدول ۳. مشخص کننده‌های عددی نابرابری اقتصادی به تفکیک برنامه‌های توسعه در استان مازندران

مشخص کننده‌های عددی	برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)		برنامه دوم (۱۳۷۳-۱۳۷۸)		برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)		برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸)		کل دوره
	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	
میانگین	۰/۴۱۷۸	۰/۴۴۸۵	۰/۳۷۸۷	۰/۴۴۱۸	۰/۳۷۷۳	۰/۴۰۱۷	۰/۴۰۳۱	۰/۴۰۵۷	۰/۳۹۴۲
واریانس	۰/۰۰۲۶	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۱۱
انحراف معیار	۰/۰۵۰۶	۰/۰۲۵۰	۰/۰۱۲۲	۰/۰۱۹۵	۰/۰۰۹۸	۰/۰۱۴۲	۰/۰۳۰۵	۰/۰۱۳۰	۰/۰۳۳۱
ضریب تغییرات	۰/۱۲۱۱	۰/۰۵۵۸	۰/۰۳۲۱	۰/۰۴۴۱	۰/۰۲۶۰	۰/۰۳۵۳	۰/۰۷۵۸	۰/۰۳۲۱	۰/۰۸۳۹

مأخذ: براساس اطلاعات جدول (۲) و با استفاده از نرم‌افزار اکسل برآورد شده است.

میانگین نابرابری در مناطق شهری و روستایی طی دوره مورد مطالعه به ترتیب ۰/۴۰ و ۰/۴۳ بوده است. در طول دوره مورد بررسی پراکندگی نابرابری حول میانگین در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است. نوسانات نابرابری طی این دوره با توجه به انحراف معیار و ضریب تغییرات در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی استان مازندران بوده است.

۵. مقایسه نابرابری در مناطق شهری و روستایی استان مازندران

برای مقایسه نابرابری در مناطق شهری و روستایی و برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی طی سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۸۸) استان مازندران از الگوی تحلیل واریانس زیر استفاده شده است:

$$G_{it} = \alpha + \beta_1 DR + \beta_2 DP_2 + \beta_3 DP_3 + \beta_4 DP_4 + U_{it} \quad (2)$$

که در آن، G_{it} ضریب جینی منطقه i در سال t ، DR متغیر مجازی که برای مناطق (شهری ۱ و روستایی)، DP_2 متغیر مجازی شهری و روستایی برای برنامه دوم توسعه (برنامه دوم ۱، سایر سال‌ها ۰)، DP_3 متغیر مجازی شهری و روستایی برای برنامه سوم توسعه (برنامه سوم ۱، سایر سال‌ها ۰) بوده و DP_4 متغیر مجازی شهری و روستایی برای برنامه چهارم توسعه (برنامه چهارم ۱، سایر سال‌ها ۰) بوده و U_{it} جمله خطا بوده است.

متغیرهای توضیحی	ضرایب	آماره t
عرض از مبدأ	۰/۴۴۹	۴۷/۶۹۱
DR	-۰/۰۳۰	-۳/۷۰۵
DP ₂	-۰/۰۲۱	-۱/۸۴۴
DP ₃	-۰/۰۴۴	-۳/۷۲۷
DP ₄	-۰/۰۲۹	-۲/۸۴۲
-2 R	۰/۳۷	
D.W	۱/۷۲۱	
F-stat	۷/۰۷۳	

مأخذ: نتایج تحقیق با استفاده از نرم افزار Eviews 6 برآورد شده است.

نتایج حاصل از برآورد الگو بیانگر آن است که میانگین نابرابری در مناطق شهری استان مازندران حدود ۰/۰۳ از میانگین نابرابری در مناطق روستایی کمتر بوده ($DR = -۰/۰۳۰$) و معنادار است. نتایج حاصل از برآورد الگو بیانگر آن است که برنامه دوم، سوم و توسعه اقتصادی - اجتماعی از لحاظ آماری اثر معناداری بر توزیع درآمد در استان مازنداران داشته است ($DP_2 = ۰/۰۷۳۲$ ، $DP_3 = ۰/۰۰۰۶$ ، $DP_4 = ۰/۰۱۷۷$ ، معنادار است).

۶. جمع بندی و نتیجه گیری

امروزه تعادل بخشیدن در الگوی توزیع درآمد به عنوان یکی از اهداف دولت در گزارش های اقتصادی درآمده است. علاوه بر این، توزیع درآمد یک بحث صرفاً اقتصادی نیست و در تعیین کیفیت آن ملاحظات مختلف سیاسی و ارزش در جهت حفظ سلامت و ثبات اجتماعی نیز مطرح است. به عبارت دیگر، بحث توزیع درآمد هم به جهت اقتصادی و هم به جهت غیراقتصادی حائز اهمیت است. در اغلب کشورهای در حال توسعه علیرغم رشد سریع اقتصادی در دهه اخیر نتایج و منافع این رشد اقتصادی تنها نصیب گروه های خاصی از افراد جامعه شده است. در نتیجه گروه های فقیر و کم درآمد این کشورها نه تنها از مزایای رشد تولید کالاها و خدمات و اشتغال و غیره بهره ای نداشته اند، بلکه شکاف درآمندی بین آنها و ثروتمندان افزایش یافته و بر تعداد فقرای کشورها نیز افزوده شده است. توزیع درآمد به تشریح چگونگی سهم افراد یک جامعه از درآمد ملی می پردازد. به عبارت دیگر، توزیع درآمد درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد یک جامعه را نیز توصیف می کند. اتخاذ سیاست های متناسب به منظور کنترل تغییرات درآمدهای افراد و جامعه با استفاده از ابزارهای موجود پراهمیت می باشد.

استان مازندران به لحاظ برخورداری از مواهب طبیعی و ظرفیت های طبیعی یکی از معدود استان های کشور است که آرمان توسعه در آن با کمترین هزینه قابل حصول می باشد. دریا، جنگل،

خاک حاصلخیز، آب فراوان و از همه مهم‌تر نیروی کار ارزان و کارآمد از جمله ویژگی‌های طبیعی و انسانی استان زرخیز مازندران است. با این وجود متأسفانه به لحاظ پاره‌ای اقدامات مبتنی بر سیاست‌آزمون و خطا و نیز بی‌برنامگی و روزمرگی مفرط در سیر اداره استان از سال‌های گذشته موجب شده تا مازندران مستعد نتواند از تمام امکانات بالقوه خدادادی خود در جهت توسعه منتفع شود و تحقق برنامه‌های چندین چشمگیر اقتصادی آن نیز درگیر و دار تأمین اعتبارات باقی بماند.

نگاهی به سیمای اقتصادی استان و قیاس آن با اوضاع اقتصادی و معیشتی دیگر استان‌های کشور نشان می‌دهد که مازندران در سال‌های گذشته از لحاظ اقتصادی و توسعه‌ای روزگار سختی را تجربه کرده و در پاره‌ای از موارد پسرفت‌های سؤال‌برانگیزی نیز داشته است. این وضعیت اقتصادی و سیمای فقرزده با توجه به لطف و عنایت خداوند به این استان و وجود منابع و ذخایر طبیعی بیشمار در بخش‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه بخش‌های کشاورزی و منابع طبیعی (جنگل، مرتع و منابع آب) حاصل نبود برنامه مناسب و ضعف مدیریت در استفاده بهینه از این نعمات خدادادی می‌باشد.

طی سالیان گذشته در تنظیم سند توسعه استان همواره تأکید بر اولویت بخش کشاورزی به‌عنوان محور توسعه بوده که با توجه به قابلیت‌های موجود در این بخش امری طبیعی است، اما در عمل مشاهده گردید به جهت کلی‌نگری و نبود برنامه‌ای مناسب در اولویت‌بندی زیربخش‌های کشاورزی موفقیت قابل‌قبولی در رشد و توسعه اقتصادی استان صورت پذیرفته است، زیرا این بخش در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های ملی به دلیل اهمیت آن در خودکفایی کشور از معافیت‌ها و حمایت‌های ویژه برخوردار می‌شد که منافع عمده حاصل از معافیت‌ها نصیب گروه‌های بالا درآمده شده است.

هدف اساسی در این تحقیق، بررسی توزیع درآمد در استان مازندران و مقایسه نابرابری در مناطق شهری و روستایی طی برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی اول، دوم، سوم و چهارم در استان مازندران به تفکیک مناطق شهری و روستایی بوده است. در این راستا سه پرسش به صورت زیر مطرح شده است.

- سطح نابرابری در توزیع درآمد استان مازندران به تفکیک مناطق شهری و روستایی طی

برنامه‌های (اول، دوم، سوم و چهارم) توسعه اقتصادی - اجتماعی به چه میزان بوده است؟

- نابرابری در مناطق شهری استان مازندران در مقایسه با مناطق روستایی چگونه است؟

- آیا اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی بر نابرابری در مناطق شهری و روستایی مؤثر

بوده است؟

برای پاسخ به پرسش‌ها ابتدا اطلاعات توزیع درآمد به صورت کتابخانه‌ای و از ریزداده‌های بودجه خانوارهای شهری و روستایی استان مازندران به صورت خام جمع‌آوری و سازماندهی شده است و

در نهایت، نابرابری اقتصادی (ضریب جینی) در مناطق شهری و روستایی استان مازندران با روش ناپارامتریکی برآورد شده است.

نتایج حاصل حاکی از آن است که در مناطق روستایی کمترین و بیشترین سطح نابرابری به ترتیب در سالهای ۱۳۸۲ و ۱۳۷۰ بوده است. در مناطق شهری کمترین و بیشترین سطح نابرابری به ترتیب در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ بوده است. بیشترین سطح نابرابری چه در مناطق شهری و چه روستایی مربوط به سال ۱۳۷۰ می باشد.

پس از برآورد ضریب جینی با استفاده از الگوی تحلیل واریانس، مقایسه آماری توزیع درآمد بین مناطق شهری و روستایی و برنامه‌های توسعه انجام شده است. نتایج حاصل از تحلیل واریانس نشان داده است که میانگین بین مناطق شهری و روستایی استان مازندران طی دوره (۱۳۶۸-۱۳۸۸) معنادار بوده است.

بر اساس نتایج حاصل از مشخص کننده‌های عددی نابرابری اقتصادی میانگین نابرابری در مناطق شهری طی برنامه اول توسعه حدود ۰/۴۱ بوده است. میانگین نابرابری در مناطق شهری طی برنامه دوم توسعه حدود ۰/۰۴ از میانگین نابرابری طی برنامه اول توسعه کمتر بوده است. میانگین نابرابری در مناطق شهری طی برنامه سوم توسعه حدود ۰/۰۴ از میانگین نابرابری طی برنامه اول توسعه کمتر بوده است. میانگین نابرابری در مناطق شهری طی برنامه چهارم توسعه حدود ۰/۰۱ از میانگین نابرابری طی برنامه اول توسعه کمتر بوده است.

همچنین، بر اساس نتایج حاصل از مشخص کننده‌های عددی، نابرابری اقتصادی میانگین نابرابری در مناطق روستایی طی برنامه اول توسعه حدود ۰/۴۴ بوده است. پراکندگی نابرابری حول میانگین در مناطق روستایی طی برنامه دوم توسعه به مقدار بسیار کمی از میانگین نابرابری طی برنامه اول توسعه کمتر بوده است. میانگین نابرابری در مناطق روستایی طی برنامه سوم توسعه حدود ۰/۰۴ از میانگین نابرابری طی برنامه اول توسعه کمتر بوده است. میانگین نابرابری در مناطق روستایی طی برنامه چهارم توسعه حدود ۰/۰۴ از میانگین نابرابری طی برنامه اول توسعه کمتر بوده است. بنابراین، پراکندگی نابرابری حول میانگین در مناطق شهری و روستایی طی برنامه‌های دوم، سوم و برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی نسبت به برنامه اول کاهش یافته است. بیشترین کاهش نابرابری طی برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی مشاهده شده است. همچنین، بطور میانگین طی سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۸۸) نابرابری در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری بوده است.

نتایج مقایسه سیاست‌های اجرا شده توسط دولت حاکی از آن است که اجرای برنامه‌های اول، دوم و سوم و چهارم بر نابرابری تأثیر مثبت داشته و نابرابری کاهش یافته است. بیشترین کاهش نابرابری طی برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی مشاهده شده است.

منابع

- ابونوری، اسماعیل و فریدرضا ایرجی (۱۳۸۳)، "مقایسه آماری توزیع درآمد در استان خراسان با کل کشور (۱۳۸۰-۱۳۵۰)"، *برنامه و بودجه*، شماره ۸۴، صص ۸۲-۵۹.
- ابونوری، اسماعیل و آرش خوشکار (۱۳۸۴)، *اثر رشد توزیع درآمد بر رشد بهره‌وری نیروی کار*، کتاب مقالات نخستین همایش ملی بهره‌وری و توسعه، جلد دوم، تیریز ۲۵ و ۲۶، صص ۷۱۲-۶۸۳.
- ابونوری، اسماعیل و آرش خوشکار (۱۳۸۶)، "اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران: مطالعه بین استانی"، *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۷، صص ۹۵-۶۵.
- ابونوری، اسماعیل (۱۳۸۶)، *آمار توصیفی و کاربرد آن*، بابلسر: دانشگاه مازندران.
- ابونوری، اسماعیل و آرش خوشکار (۱۳۸۶)، "نابرابری توزیع هزینه در شهرستان فیروزکوه"، *فصلنامه علوم اقتصاد دانشگاه آزاد واحد فیروزکوه*، شماره ۲، صص ۷۹-۹۶.
- ابونوری، اسماعیل و آرش خوشکار (۱۳۸۶)، "مقایسه توزیع درآمد استان هرمزگان با کل کشور طی برنامه‌های دوم و سوم توسعه اقتصادی-اجتماعی"، *فصلنامه بررسی‌های اقتصادی*، شماره ۲، صص ۸۲-۶۹.
- کاظمی، مهدی و غلامرضا زمانیان (۱۳۸۴)، "تحلیلی از وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان، جغرافیا و توسعه"، شماره ۵، صص ۱۶۰-۱۴۱.
- لهسایی زاده، عبدالعلی و بیژن خواجه‌نوری (۱۳۸۳)، "قشر بندی و نابرابری اجتماعی در استان فارس"، *فصلنامه بررسی‌های اقتصادی*، شماره ۲، صص ۸۵-۶۱.
- معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی (۱۳۸۰)، *سند برنامه سوم توسعه استان مازندران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)*، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران، شماره ۲۴۶، ص ۱۱.

مرکز آمار ایران و پایگاه اطلاعات نشریات مرکز آمار ایران www.sci.org.ir.

- Biewen, M. (2000), "Income Inequality in Germany During the 1980s and 1990s", *Review of Income and Wealth*, Vol. 46, No. 1, PP.1-19.
- Ferreiral, F.H.G., P. G. Leite & J. A.Litchfield (2006), "The Rise and Fall of Brazilian Inequality: (1981-2004)", World Policy Research Working Paper, No. 3867.
- Foelmi R. & J. Zweimuller (2003), "Inequality and Economic Growth European Versus U.S.Experiences", Institute for Empirical Research in Economics University of Zurich, Working Paper Series, ISSN 1424-0459.
- Oshima, H.T. (1973), "Employment and Income Policies for Iran", Income Distribution, Mission Working Paper, ILO, Geneva.
- Panizza, Ugo (2002), "Income Inequality and Economic Growth: Evidence from American Data", *Journal of Economic Growth*, Vol.7, PP. 25-41.
- Smeeding M.T. (2005), Public Policy, Economic Inequality, and Poverty: The United States in Comparative Perspective, Center for Policy Research.

